

اولگ شرباکوف (Oleg Scherbakov)

کارشناس سیاسی مستقل

ترجمه و توضیحات توسط ا.م. شیری

## ترور دانشمندان، مقصر کیست و چه باید کرد؟ (۱)

<http://www.fondsk.ru/news/2013/01/09/ubijstva-uchenyh-kto-vinovat-i-chto-delat.html>

۲۴ جدی ۱۳۹۱

من، این خصلت ایالات متحده آمریکا را که در امر دفاع از منافع خاص خود حاضر است بدون رعایت هیچ حد و مرزی، نه تنها تا آخر خط، حتی فراتر از آن هم برود، بسیار می پسندم. این کار آمریکا قابل فهم است. در عالم سیاست، اخلاقیات، ارزشها و اولویت ها متفاوتند. نجابت، صداقت و اطاعت از قانون در نزد من بعنوان شهروند عادی روسیه، ارزش محسوب می شود. ولی در عالم سیاست، همه چیز متفاوت است.

اغلب، صداقت و قانونمداری یک رهبر سیاسی البته، اگر، رهبر سیاسی در خدمت منافع خلق باشد نه خادم منافع خاص گروه خود، ممکن است موجب وارد آمدن خسارات عظیم به کشور شده و به بهای دادن خونهای زیادی برای مردم تمام شود. این واقعیت عینی را من می نویسم و می دانم که به بدبینی متهم خواهم شد. رؤسای جمهور آمریکا خدمتکار آشپزخانه نبوده اند و بخوبی می دانند که «حقوق بشر» و «حقوق بین الملل» یعنی چه.

من تحت هیچ شرایطی، در موضع «درک» باندهای سیاسی آمریکا قرار نخواهم گرفت، اما واقع بینی را هم هیچگاه ترک نخواهم گفت. با حرکت از این مبداء، من موظفم در باره چنین موضوعاتی بنویسم. برای اینکه من با اتخاذ چنین موضعی، منتها در آنسوی سنگر قرار دارم. اتفاقاً من هم خدمتکار آشپزخانه نبوده ام و در ردیف دسته بندیهای فوقانی هم آموزش ندیده ام. به همین دلیل ساده، با این موضع همتایان آمریکائیم کاملاً موافقم و معتقدم که در امر دفاع از منافع ملی روسیه، می توان از هر مسئله ارزشمند، از اخلاق، از «ارزشهای عموم بشری»، صرفنظر نمود و به هر کاری دست زد. بقصد گشت و تا سرحد مرگ باید کوبید. چرا که موضعی غیراز این، برای روسیه بسیار گران تمام خواهد شد و مردم روسیه بهای آن را با خون خود خواهند پرداخت. این راهکار، بی بدیل است.

اگر من اشتباه می کنم، بگذار بهترین شهروندان آمریکا، مثلاً: **جون مک کین**، متخصص برجسته در کار بمباران خونین روستاهای غیرنظامی ویتنام، **بیل کلینتون**، که شخصا فرمان

حمله نظامی به کشورهای صلحدوست را صادر کرد و تا خرخره در خون نیمه جهان فرورفت (امثال او را در نورنبرگ دار زدند)، **باراک اوباما** (شاید، بتوان او را بعد از کلینتون، تهاجمی ترین رئیس جمهور از میان همه رؤسای جمهور آمریکا نامید. من بعید نمی دانم که او هم مثل کلینتون، خون انسان را هنگام صرف غذا با لیوان سر می کشد)، لیبی، مصر و سوریه را در خون غرقه ساخت، مالیخولیائیان آمریکا، **آقا و خانم کریور** که **ایوان سکاراباگاتوف**، فرزندخوانده خود از روسیه را سال گذشته به قتل رساندند، حقوق بشر و حقوق بین الملل را به من آموزش بدهند. همچنین، از آقایان **نیو گینگریچ** و **ریک سانتروم**، نامزدهای سابق ریاست جمهوری آمریکا، بخاطر «کمک شان» به توسعه و ترویج این علم، صمیمانه سپاسگزاری می کنم.

در پروسه کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۲، آنها علنا و با غرور و افتخار اعلام کردند که در صورت انتخاب شدن، **فرمان ترور دانشمندان شاغل در عرصه علوم دفاعی روسیه، ایران و کره شمالی را صادر خواهند کرد.**

من شخصا این اظهارات نامزدهای سابق ریاست جمهوری آمریکا را بمفهوم ترویج تروریسم قبول می کنم و معتقدم هر کسی که چنین بیاناتی را بر زبان می راند، بمعنی ساده و موجز کلمه، «تروریست» نامیده می شود و باید بلافاصله طبق قوانین کشور متبوع خود و یا هر کشور میزبان دیگر محاکمه شود. اما، مثل اینکه **اریک هولدر**، دادستان کل آمریکا با استدلال من موافق نیست. شاید فراموش کرده که تلفنی با من مشورت کند.

گذشته از شوخی، که شوخی ها بقدر یک تخم مرغ گندیده ارزش ندارند، اصل مسئله این است که، آنچه اشاره اش رفت، بیانات نامزدهای انتخاب به عالی ترین مقام دولتی آمریکا بود و البته، این تفکر نیز از حمایت مردم آمریکا برخوردار است! این اظهارات در واقع، نشانه اوج سقوط اخلاقی، البته، به شکل هولناک آن است. با اینکه این نوع آدمها، یک خطر واقعی برای جامعه محسوب می شوند، ولی آقای «متوسط آمریکا» با همبرگر در دهان، بطری «کولا» در دست و با شعور کودک هشت ساله در سر، در انتخابات به آنها رأی می دهد<sup>(۲)</sup> و آنها نیز بعد از انتخاب شدن به مقام ریاست جمهوری آمریکا، از صلاحیت کاربرد تسلیحات اتمی، حق حل مسائل جنگ و صلح برخوردار می شوند. و اما از هه مهمتر، آنها اجرای برنامه های جنائی خود را آغاز می کنند. سؤال این است: مخاطبان محترم ما چه تصویری از این کارها دارند؟

**اریک هولدر**، دادستان کل آمریکا بهیچوجه در مقابل چنین اظهارات افراطی واکنش نشان نمی دهد و آنها را از منظر حقوقی ارزیابی نمی کند. شاید بدین سبب، که ایالات متحده آمریکا، واقعا هم کشور دمکراتیک است، به همه جهان آزادی و دمکراسی عرضه می کند و عمیقا به رعایت حقوق بشر ملتزم است. آیا به همین دلیل، دادستان کل در مقابل آنها عکس العمل نشان نمی دهد؟ در آمریکا حتی بومیان این قاره تا روز امروزی در گوشه ای نشسته و هنوز منتظرند یک وقت «پدر سفید بزرگ» در واشینگتن، به تعهدی که ۱۵۰ سال پیش به رهبران آنها داده است، عمل نماید. می پندارم تا زمانی که مردم بومی بعنوان یک ملت بطور کامل مضمحل نشده، ۱۵۰ سال دیگر هم منتظر خواهد نشست.

در حال حاضر، برنامه از میان برداشتن هدفمند بهترین دانشمندان عرصه علوم دفاعی روسیه و ایران اجرا می شود.

ترورها بوقوع می پیوندند. در روسیه، در طول ۱۰ سال اخیر، در شرایط نامعلومی ۴۰ تن از دانشمندان علوم فیزیک، ریاضی و زیست شناسی کشته شده اند. همه آنها در عرصه ایجاد جدیدترین تسلیحات نسل پنجم مشغول بودند و عنقریب بود دروازه کشفیات جدید را بگشایند. از میان آنها، از **الکساندر پیلیاف**، متخصص ارشد نظارت بر خلع سلاح اتمی، **گنادی پاولوتس**، شاغل در عرصه ساختن هواپیماهای نسل پنجم و **آندری گارابتس**، دانشمند فیزیک هسته ای که در مرکز واشینگتن کشته شد، می توان بعنوان نمونه نام برد.

در ایران پنج دانشمند ترور شدند. بعضی از آنها در اتوموبیل همراه با خانواده هایشان منفجر شدند. **حسن مقدم**، بنیانگذار برنامه موشکی ایران، به همین ترتیب ترور شد.

من هنوز هیچ تصویری از موضع سازمان امنیت روسیه ندارم. چرا پرونده ترور ۴۰ تن از دانشمندان گل سرسید علوم روسیه روشن نشده است؟ وارثان «**فلیکس پولادین**» درست در هنگامه ای که مسئله پیروزی در جنگ تقریبا قریب الوقوع آینده مطرح است، به چه کارهای فوری و فوری تر از کشف اسرار ترور دانشمندان سرشناس و مشغول در عرصه فن آوری دفاعی مشغول هستند؟ حل این مسئله که چه کسی نسل پنجم تسلیحات دفاعی را زودتر می سازد، وظیفه امنیتی دولت است یا کار کلانتر محل؟ چرا برنامه حفظ امنیت دانشمندان پیشرو و حفاظت از اسرار نظامی تدوین نشده است؟

گمان می کنند عمل **پائوپا** را فراموش کرده ایم که در اتاق هتل محل اقامتش دکانی برای خرید فن آوری دفاعی روسیه باز کرد و در همانجا، تکنولوژی اژدرافکن «اشکوال» را به پول سیاه خرید و پس از بدست آوردن نقشه آن، زیر دریائی اتمی «کورسک» غرق

شد<sup>(۳)</sup> ۱۰-۱۵ سال اسرار نظامی و دولتی بصورت کم و بیش قانونی و یا غیرقانونی فروخته می شد. جاسوسان، در گوش مأموران سازمان امنیت پنبه می چیانند، مردم کشته می شدند، زیر دریائی اتمی «کورسک» غرق شد. آیا روشن است که جاسوسان دیگر با فروش تحقیقات علمی به خارجیان چه خساراتی به روسیه وارد آوردند؟ آیا روشن است که چه تعداد جاسوس شناسائی نشده هنوز هم در سرزمین ما در گشت و گذارند و به جمع آوری اطلاعات مشغولند؟

**لاورنتی پاولویچ بریا**، که بقای گشتاپو بدستور اربابان ماورای بحار خودش پس از جنگ در لجن پاشی علیه او هیچ حد و مرزی نمی شناخت، در همه زمینه ها، از جمله برای سرعت بخشیدن به امر ساختن تسلیحات هسته ای و حفاظت از دانشمندان به اقدامات بسیار خردمندانه ای دست زد. او دانشمندان را «محصور» کرد و در حصر، برای آنها شرایط زندگی بسیار عالی تر آزادی فراهم ساخت ولی آنها را آزاد نگذاشت. در نتیجه، در سایه همین کار او، برنامه حمله اتمی آمریکا به اتحاد شوروی در سالهای ۵۰ خنثی شد. من چنین پیشنهادی ندارم، ولی باید مشکل حل شود. اگر دوست دختر یک رئیس مبلمان را با خانه خصوصی تأمین می کنند، مشکلات دانشمندان عرصه دفاعی را هم می توانند از راه صدور پاسپورت دیگر، با استخدام در موسسات بسته، اسکان دادن در مجتمعهای مسکونی بسته و دیگر روشها حل کنند. اما مشکل این است که در این زمینه هیچ کاری انجام نمی شود. بنظر می رسد شورای امنیت ملی روسیه مشکلات دیگری دارد.

امروز ما با واقعیتهای عینی روبرو هستیم. بهترین دانشمندان عرصه دفاعی را در روسیه و در تمام جهان به قتل می رسانند. آنها را فقط در کشورهای آمریکا، انگلیس و اسرائیل نمی کشند. جالب است، اما چرا؟ اگر شعارها و تبلیغات غیرمسئولانه پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را در نظر بگیریم و به کنه مسائل پردازیم، به این نتیجه گیری روشن می رسیم: هر کسی می تواند دانشمندان را بکشد. این مهم نیست که قاتل سیا و «موساد» باشد یا آژانس امنیتی انگلیس و یا رقبا در بازار اسلحه. به احتمال زیاد، همه با کمک همدیگر. آژانسهای امنیتی بالاخره به یک «ترفند» دیگر یعنی، به شیوه انحراف افکار عمومی نیز متوسل می شوند. مثلاً، در جریان مبارزه انتخاباتی، آنها موفق شدند با جلب توجه عمومی بسوی این دو دلک: **نیو گینگریچ** و **ریک سانتروم**، قاتلان واقعی و سفارش دهندگان قتلها را در سایه قرار دهند. مسئله این است که ارگانهای امنیتی روسیه، ایران، کره شمالی و حتی چین (چونکه «قداره بندان»، کشتار دانشمندان این کشور را نیز بزودی آغاز خواهند کرد) موظفند همانطور که از چند صد سال قبل آژانس های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس متحد

شدند، فوراً تشریک مساعی نموده و در هماهنگی با همدیگر چنان پاسخی به آنها بدهند که دیگر هیچ مقام سیاسی آمریکا، انگلیس و اسرائیل جسارت نکند فرمان قتل نه تنها دانشمندان، حتی شهروندان عادی این کشورها را به مخیله خود خطور دهد. خلاصه کلام، فعلاً در آمریکا، اسرائیل و انگلیس معلوم نیست که قتل دانشمندان شروع نشود، اما بسیار مهم است که تعداد کشته شدگان چند برابر بیشتر از مقتولان روسیه و ایران خواهد بود. چنین اتفاقی خواهد افتاد. و اجرای چنین برنامه‌ای، بگمانم، به یکی از سازمانهای ذینفع سپرده شده است. می‌توانید خودتان حدس بزنید؟

### توضیحات

(۱) - این نوشته مشخصاً به قتل دانشمندان ایران نیز اشاره دارد و در مجموع، بنوعی اوضاع ایران را تشریح می‌کند که پس از انقلاب بهمن ۵۷، هم در حاکمیت جدید و هم در میان اکثر مخالفان مترقی آن، این درک نادرست شکل گرفت که با سرنگون شدن رژیم سلطنتی وابسته به غرب در ایران، دست‌آیادی و عوامل سازمانهای اطلاعاتی امپریالیسم از کشور کوتاه شده و کمتر کسی واقعیت حضور و فعالیت‌های خرابکارانه جاسوسان و مأموران خارجی در ارگانهای حاکمیت جدید و جامعه را مورد توجه قرار داد. بعید نیست علت ترور پنج دانشمندان و ربوده شدن برخی مأموران ایران توسط سازمانهای امنیتی غرب ناشی از همین خوشخیالی مقامات رژیم جمهوری اسلامی ایران بوده باشد.

(۲) - اگر چه در این نوشته، آقای شرباکوف برخی مسائل و مشکلات را نسبتاً دقیق مورد توجه قرار داده، ولی دچار این توهم نیز می‌باشد که گویا در آمریکا یا هر کشور دیگر انتخابات آزاد و سالم برگزار می‌شود و یا دوایر قدرت به رأی مردم احترام می‌گذارند. شاید او حادثه «واترگیت» را بخاطر ندارد و به این واقعیت هم دقت نکرده است که در حالیکه آلبرت گور از رقیب انتخاباتی خود، جرج دبلیو بوش ۵۰۰۰ رأی بیشتر آورده بود، ولی نتوانست به کاخ سفید راه یابد.

(۳) - زیردریائی اتمی کورسک روسیه، در تاریخ ۱۲ ماه اوت سال ۲۰۰۰ میلادی با ۱۱۸ خدمه در دریای بارنس، در ۵۰۰ متری یک زیردریائی آمریکائی غرق شد.

زیردریائی آمریکائی با زیر پا گذاشتن موازین و مقررات الزام آور دریانوردی بین المللی مبنی بر کمک به صدمه دیده، بلافاصله از آنجا دور شد.

دولت روسیه بمنظور بررسی علت حادثه، همانوقت یک کمیسیون تحقیق به سرپرستی فردی بنام ایلیا کلیبانوف، معاون وقت نخست وزیر، مظنون به جاسوسی به نفع آمریکا، تشکیل داد. این کمیسیون پدید آمدن یک حفره ناشی از برخورد موشک در بدنه را علت غرق شدن زیردریائی اتمی کورسک اعلام کرد ولی هیچوقت بطور مشخص اعلام نکرد که این حفره در اثر انفجار در داخل زیردریائی و خارج شدن موشک از درون آن ایجاد شده یا در اثر شلیک از بیرون. این موضوع هنوز هم در حالی که حتی یک انسان حتی غیرمتخصص با یک نگاه سطحی به محل برخورد و خروج موشک می تواند مسیر را تشخیص داده، علت واقعی سانحه را اعلام نماید، در پرده ابهام باقی مانده است.

زیردریائی اتمی کورسک قریب یک سال بعد از غرق شدن، از آب بیرون کشیده شد و بدون روشن شدن علت واقعی حادثه، بلافاصله در اختیار موسسه بازیافت قرار گرفت و قطعه قطعه شد.

مترجم